

نکات برجسته

چاپ سوم خلاصه شاخصهای بهره‌وری OECD، جدیدترین داده‌ها و شاخصهای بهره‌وری را در ۴ حوزه گسترده گرد هم

آورده است:

الف) رشد بهره‌وری اقتصاد و ب) سطوح آن پ) رشد بهره‌وری صنعت و ت) اثر بهره‌وری کار بر هزینه‌های واحد کار

مهمترین نکات برجسته درخصوص شاخصهای اقتصادی رشد بهره‌وری به قرار ذیل می‌باشند:

➤ در طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۰، متوسط رشد سالانه تولید ناخالص ملی در اکثر کشورهای OECD بالای ۲ درصد بوده است، حتی در ایرلند و کره از ۴ درصد تجاوز کرده است. در نیمه دوم دهه نود، مجارستان، ایرلند، کره، لهستان، جمهوری چکسلواکی بالاترین نرخ رشد سرانه تولید ناخالص ملی را تجربه کرده‌اند. به تازگی کشورهای متعدد OECD (در مقایسه با روند طولانی مدت) بلاکندی رشد بهره‌وری روبرو شده‌اند، بخصوص ایتالیا و پرتغال. به موازات آن، از ابتدای هزاره جدید، نرخ استفاده از نیروی کار در بسیار از کشورهای اروپایی کاهش یافته است. هر دو روند درکاهش سرعت رشد سرانه تولید ناخالص ملی اثرگذار بوده‌اند. در مقام مقایسه، اخیراً اقتصاد ژاپن در استفاده از نیروی کار و رشد بهره‌وری رشد داشته است.

➤ رشد بهره‌وری کار (یا تولید ناخالص ملی به ازای هر ساعت کاری) در میان کشورهای OECD متغیر بوده است. به عنوان مثال، در نیمه اول دهه اول سال ۲۰۰۰ دامنه رشد سالانه بهره‌وری کار در مجارستان، کره و جمهوری چکسلواکی بین ۴/۳ و ۵/۲ درصد بوده است، در حالیکه کشورهای ایتالیا و مکزیک رشدی کمتر از ۰/۵ درصد داشته‌اند. در تعدادی از کشورهای OECD رشد بهره‌وری کار در نیمه دوم دهه نود سرعت گرفت اما مجدداً در هنگام ورود به هزاره جدید سرعت آن کاهش یافت. بین سالهای ۱۹۹۵-۲۰۰۰ و ۲۰۰۱-۲۰۰۶، استرالیا، ایرلند، مکزیک و پرتغال دچار کاهش شدید سرعت رشد شدند. GDI (درآمد ناخالص داخلی) در هر ساعت کاری، به عنوان معیار جایگزین بهره‌وری، روندی تقریباً مشابه با روند تغییرات تولید ناخالص ملی را در طی ۲۰ سال گذشته نشان می‌دهد. تنها در کشورهایی مثل استرالیا و کره

که بیشترین تغییرات را از نظر تجارت تجربه کرده‌اند و یا تجارت خارجی در آنها بخش گسترده‌ای از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهند، اختلاف میان دو مقیاس چشمگیر است.

➤ هزینه‌های کاربری سرمایه، نسبت به نیروی کار کاهش یافته است. بهره‌وری سرمایه که انباشتگی نسبی منابع سرمایه را نشان می‌دهد. از سال ۱۹۸۵ در همه جا (در کانادا، اسپانیا و انگلستان) به استثنای فنلاند که در آن خروجی در واحد ورودی سرمایه به طور متوسط رشدی مثبت را در دهه گذشته نشان می‌دهد، کاهش یافته است.

➤ در اکثر کشورهای OECD، به طور عمده، رشد تولید ناخالص ملی حاصل از رشد بهره‌وری سرمایه و بهره‌وری چند عاملی می‌باشد. از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۶، ورودی‌های سرمایه حدود یک سوم رشد تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دادند. فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، میزان سهم سرمایه را در رشد تولید ناخالص ملی در استرالیا، دانمارک، فرانسه، نیوزلند، سوئد، انگلستان و آمریکا توجیه می‌کند. علیرغم این واقعیت، سهم سرمایه ICT در رشد تولید ناخالص ملی در اکثر کشورهای OECD بین دوره‌های ۱۹۸۵-۲۰۰۶ و ۲۰۰۱-۲۰۰۶ دچار افت شد (به طور قابل ملاحظه در استرالیا، پرتغال، سوئد، سوئیس و آمریکا).

➤ بهره‌وری چند عاملی (MFP) برای حصول رشد اقتصادی در بلژیک، فنلاند، ایرلند و ژاپن امری مهم بود. این مفهوم در سالهای اخیر به تقویت رشد در سوئد، انگلستان و آمریکا کمک کرده است. اما در بسیاری از کشورها، رشد MFP به طور عمده کند شده، به خصوص در ایتالیا، نیوزلند، پرتغال و سوئیس. بین سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶، رشد MFP در ایتالیا و سوئیس، منفی بوده است.

➤ همچنان، رشد ورودی‌های کار منجر به رشد عمده تولید ناخالص ملی در استرالیا، کانادا، ایرلند، هلند، اسپانیا و آمریکا شده است و این در حالی است که کشورهایی که به سرعت در معرض سالخوردگی هستند مثل آلمان و ژاپن، در ورودی‌های نیروی کار رشدی منفی را تجربه کردند. بخش دوم سطوح بهره‌وری را به عنوان شاخصهای کلیدی همگرایی اقتصادی در میان کشورها معرفی می‌کند. نتایج عمده عبارتند از:

➤ در سال ۲۰۰۶، ایرلند، لوگزامبورگ، نروژ و ایالات متحده از بالاترین سطح درآمد سرانه برخوردار بودند. دامنه سرانه تولید ناخالص ملی بین ۳۹ هزار دلار آمریکا در ایرلند، لوگزامبورگ، نروژ و ایالات متحده و ۱۷۰۰۰ دلار آمریکا در مکزیک، لهستان و ترکیه بود. به عنوان الگویی عمومی، اکثر کشورهای OECD از سطوح بالاتر تولید ناخالص ملی به ازای هر ساعت کاری نسبت به سرانه تولید ناخالص ملی در ایالات متحده برخوردارند. اختلاف در سرانه تولید ناخالص ملی ناشی

از سطح پایین استفاده از نیروی کار نسبت به ایالات متحده آمریکا می‌باشد (اگر چه این امر می‌تواند تا حدی ناشی از بی‌نظمی در اندازه‌گیری ساعتهای کار باشد)

➤ از دهه ۷۰، سرانه تولید ناخالص ملی و بهره‌وری کار به طور گسترده در حوزه OECD همگرا شده‌اند که ایرلند و کره بالاترین نرخ Catch-up را از نظر سرانه تولید ناخالص ملی نشان می‌دهند. اقتصادهایی که در دهه ۷۰ دارای سطوح نسبتاً بالای درآمد بودند، نرخ catchup آنها پایین تر می‌باشد. کشورهای اروپایی متعدد از نظر سطوح متوسط بهره‌وری کار اخیراً از ایالات متحده پیشی گرفته‌اند. در حالی که استرالیا، کانادا، مکزیک و نیوزلند هنوز پایین تر از ایالات متحده قرار دارند.

➤ اختلافات بین نسبتهای تولید ناخالص ملی (GDP)، تولید خالص داخلی (NDP) و درآمد ناخالص ملی (GNI) به ازای هر ساعت کاری نسبتاً کم است، زیرا جریانات درآمد ناخالص به کشور با جریانات خروجی ناخالص جبران می‌شوند. این موضوع بیانگر آن است که از تولید ناخالص ملی در هر ساعت کاری می‌توان به عنوان گزینه نسبتاً مناسبی برای دیگر گزینه‌های اندازه‌گیری خروجی و سطوح بهره‌وری استفاده کرد.

➤ ناهمگنی قابل ملاحظه‌ای در ارقام بهره‌وری کار کشورها و صنایع مختلف وجود دارد. مقایسه بهره‌وری کار از نظر اندازه، نشان می‌دهد که برای اکثر صنایع بخصوص بخش تولید، هر چه کسب و کار بزرگتر باشد، سطوح بهره‌وری کار بالاتر است. این خود در جهت بالاتر تراکم سرمایه را در کسب و کارها و مقیاسهای اقتصادی بزرگتر، نشان می‌دهد. بخش سوم شاخصهای رشد بهره‌وری صنعت را ارابه می‌دهد. این بخش نشان می‌دهد که:

➤ برای اکثر کشورهای OECD، اخیراً سرعت رشد بهره‌وری صنعت کاهش یافته اما اختلافات بزرگی میان صنایع به چشم می‌خورد. صنایع با فناوری بالا و متوسط، مثل تجهیزات الکتریکی و نوری و تجهیزات حمل و نقل از نرخ بالاتر رشد بهره‌وری نسبت به صنایع تولیدی با فناوری پایین برخوردارند. در بسیاری از کشورها، بخش صنعت همچنان بالاترین عملکرد رشد ترکیبی بهره‌وری کار را دارد. به عنوان مثال، در مورد در جمهوری چک، فنلاند، کره و جمهوری چکوسلوواکی و سوئد اینچنین است.

➤ اگر چه بخشهای خدماتی که سرمایه‌گذاری بیشتری در ICT می‌کردند و دارای نیروی کار ماهرتری بودند، از رشد بالاتر بهره‌وری برخوردار بودند، اما رشد کلی بهره‌وری کار عمده فروشی و خرده فروشی نیز در دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۰ (در مقایسه با

دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۰) کاهش یافت. این‌ها بخشها شامل پست و مخابرات، تأمین مالی و بیمه و خدمات کامپیوتری می‌شوند.

خدمات بازاری که اهمیت روز افزونی را در بخش خدمات دارند، عامل بیش از نیمی از رشد بهره‌وری در یونان، لوکسامبورگ، نیوزلند و نروژ و انگلستان و ایالات متحده در دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۰ بود. بین سالهای ۱۹۹۵-۲۰۰۰ و ۲۰۰۶-۲۰۰۰، سهم خدمات بازاری در رشد بهره‌وری کار در کشورهای بلژیک، جمهوری چک، فرانسه، لوکسامبورگ و نیوزلند افزایش یافت. این سهم روز افزون خدمات بازاری بعضی اوقات با سهم روز افزونان در ارزش افزوده کل مرتبط است اما می‌تواند نشان‌دهنده رشد سریعتر بهره‌وری کار در بخش خدمات نیز باشد.

بخش آخر به اثر بهره‌وری کار بر شاخص مهم رقابت‌پذیری یعنی هزینه‌های واحد کار می‌پردازد. رشد قدرتمندتر بهره‌وری کار نسبت به رشد دستمزد متوسط کار تأثیری منفی بر رشد هزینه‌های واحد کار دارد (با وجود اینکه توسعه دستمزد متوسط کار نیز مهم است).

➤ با وجود برابری دستمزدها بین کشورها، توسعه‌ای مشابه در نرخ‌های رشد سالانه دستمزد متوسط کار در صنعت و خدمات بازاری در اکثر کشورها به چشم می‌خورد. این امر تا حدی نشانگر اثر جهانی سازی صنعت و استفاده بیشتر از سرمایه می‌باشد.

➤ اختلاف میان هزینه‌های واحد کار و بهره‌وری در خدمات بازاری در لهستان، مجارستان، چکسلواکی و ترکیه خود را نشان داد. در این کشورها نرخ رشد متوسط سالانه دراز مدت برای هزینه‌های واحد کار در خدمات بازاری حدود ۱۰ درصد بوده، در حالی که رشد متوسط بهره‌وری سالانه کار در بخش‌های عمده فروشی و خرده فروشی کمتر از ۳ درصد بوده است.